

کتاب ملاکی نبی

مقدمه

ملاکی نبی در حدود صد سال بعد از حجی و زکریای نبی زندگی می‌کرد.

کتاب ملاکی نبی بعد از تکمیل شدن بازسازی عبادتگاه در اورشلیم نوشته شده است. با وجود آنکه عبادتگاه تکمیل شده بود، مردم و حتی کاهنان نسبت به عبادت و پرستش کردن خداوند تنبل شده بودند. ملاکی کسانی را که با راستی و صداقت خداوند را پرستش نمی‌کنند، سرزنش نموده و به آنها یادآور می‌شود که اگر از کارهای نادرست توبه نکنند مورد، تنبیه خداوند قرار خواهند گرفت.

در اخیر کتاب ملاکی از آمدن مسیح موعود خبر می‌دهد و به مردم خاطر نشان می‌کند که خداوند به فکر آنها است.

با به پایان رسیدن کتاب ملاکی عهد عتیق کتاب مقدس نیز به پایان می‌رسد. بعد از ملاکی نبی جهان چهار صد سال در خاموشی یعنی بدون کدام پیامی از انبیا به آمدن مسیح موعود در انتظار می‌ماند. در پایان سکوت چهار صد ساله، یحیای نبی ظاهر می‌شود و عیسی مسیح را به حیث «بره‌ای» که برای آمرزش گناهان همه مردم قربانی می‌شود، به مردم معرفی می‌کند.

فهرست مندرجات:

گناهان اسرائیل: فصل ۱:۱ - ۱۶:۲

قضاوت خدا و وعده رحمت: فصل ۱۷:۲ - ۶:۴

۱ کلام خداوند دربارهٔ اسرائیل بواسطهٔ ملاکی نبی.

محبت خداوند به اسرائیل

۲-۳ خداوند می‌فرماید: «من شما را همیشه دوست داشته‌ام.» اما شما می‌پرسید: «تو ما را چطور دوست داشته‌ای؟» خداوند در جواب می‌فرماید: «عیسو و یعقوب دو برادر بودند. من از عیسو نفرت داشتم. سرزمین کوهستانی او را ویران کردم و آنجا را مسکن شغالان ساختم، ولی جد شما یعقوب را دوست داشتم.»^۴ شاید ادومیان که اولادهٔ عیسو هستند بگویند: «شهرهای ما ویران شده‌اند و ما می‌رویم آن‌ها را دوباره آباد می‌کنیم.» اما خداوند قادر مطلق می‌فرماید: «اگر آن‌ها شهرهای خود را آباد کنند، من همه را دوباره ویران می‌سازم. سرزمین آن‌ها «سرزمین شرارت» و خودشان «مردمی که خداوند تا ابد بر آن‌ها خشمگین می‌باشد» نامیده می‌شوند.»^۵ وقتی شما همهٔ اینها را به چشم خود دیدید، می‌گوئید: «بزرگی و عظمت خداوند در آنسوی سرحدات اسرائیل هم مشاهده می‌شود.»

فساد کاهنان

۶ خداوند قادر مطلق به کاهنان می‌فرماید: «پسر، پدر خود را و غلام، آقای خود را احترام می‌کند، پس اگر من پدر شما هستم، چرا به من احترام ندارید؟ اگر من آقای شما هستم، وقار حرمت من کجا است؟ ای کاهنان، شما نام مرا بی‌حرمت ساخته‌اید و می‌گوئید: «ما چطور نام ترا بی‌حرمت کرده‌ایم؟»^۷ وقتیکه شما خوراکی‌های نجس را بر قربانگاه من می‌گذارید، نام مرا بی‌حرمت می‌سازید. بلی، با این کار خود، شما به خون من بی‌احترامی می‌کنید.^۸ آیا این کار شما قبیح نیست که یک حیوان کور و لنگ و بیمار را برای من قربانی می‌کنید؟ اگر آن را به حاکم تان هدیه بدهید، آیا او آن را قبول می‌کند و از شما راضی و خوشنود می‌شود؟»

۹ حالا شما کاهنان توقع دارید که خدا بر شما رحم کند و شما را از فیض خود بهره‌مند

سازد. خداوند قادر مطلق می‌فرماید که قصور از خود شما است.^{۱۰} ای کاش یکی از شما کاهنان دروازهٔ عبادتگاه مرا ببندد تا کسی نتواند آتشی بر قربانگاه من بیفروزد. من از شما راضی نیستم و قربانی‌های شما را نمی‌پسندم.^{۱۱} از طلوع تا غروب آفتاب، نام من در سراسر روی زمین و در بین تمام اقوام جهان با احترام و عزت یاد می‌شود و مردمان دیگر برای من خوشبوئی دود می‌کنند، قربانی تقدیم می‌نمایند و به نام من احترام می‌گذارند.^{۱۲} اما شما نام مرا بی‌حرمت می‌سازید، زیرا می‌گوئید که خوان من نجس است و غذای آن مکروه است.^{۱۳} خداوند قادر مطلق می‌فرماید: «شما می‌گوئید خدمتی که برای من می‌کنید خسته‌کننده است، ولی شما به نام من اهانت می‌کنید، زیرا شما حیواناتی را که بزور از مردم گرفته‌اید و آنهایی را که لنگ یا بیماراند بعنوان قربانی برای من می‌آورید! آیا فکر می‌کنید که من آن‌ها را می‌پذیرم؟^{۱۴} لعنت بر آن کسی که مرا فریب بدهد، یعنی وعده کند که برای من قوچ سالمی را از گلهٔ خود قربانی کند و باز برود و حیوان معیوب را به عنوان قربانی برای من بیاورد. من پادشاه عظیم هستم و نام من در بین اقوام جهان با عزت و احترام یاد می‌شود.»

۲^۱ خداوند قادر مطلق به کاهنان می‌فرماید: ^۲ «اگر به کلام من گوش ندهید و به نام من احترام نکنید، پس من بجای اینکه شما را برکت بدهم، لعنت می‌کنم و در حقیقت از همین حالا مورد لعنت من قرار دارید، زیرا شما کلام مرا در دل‌های تان نمی‌پذیرید.^۳ من فرزندان تان را تنبیه می‌کنم، به روی تان سرگین حیوانات را می‌مالم و شما را از حضور خود می‌رانم.^۴ آنگاه می‌دانید که من بخاطری این اخطار را به شما دادم تا پیمانی را که با جد تان، لاوی بسته بودم پابرجا بماند.

^۵ در پیمان خود ذکر کرده بودم که به کاهنانِ اولادهٔ لاوی، حیات و آرامش می‌بخشم و آن کار را هم کردم تا آن‌ها نیز متقابلاً به نام من احترام کنند و از من بترسند.^۶ آن‌ها حقیقت و راستی را به مردم تعلیم دادند و از زبان شان حرف غلط شنیده نشد. آن‌ها در راه من قدم برداشتند و از طریق راستی انحراف نکردند.^۷ چون کاهنان سخنگوی

خداوند قادر مطلق هستند باید به مردم حقیقت و معرفت را تعلیم بدهند تا مردم طریق راستی را بیاموزند.

^۸ اما شما از راه راست انحراف کردید و با تعلیمات غلط تان باعث لغزش بسیاری از مردم شدید. شما پیمانی را که با جد تان بسته بودم، شکستید. ^۹ من شما را در نظر مردم خوار و حقیر می‌سازم، زیرا شما احکام مرا نمی‌پذیرید، در تعلیمات تان عدالت را رعایت نمی‌کنید و بین مردم تبعیض قائل می‌شوید.»

نافرمانی از احکام خداوند

^{۱۰} آیا همه ما از یک پدر نیستیم؟ آیا همه ما را خدا نیافریده است؟ پس چرا به یکدیگر خیانت می‌کنیم و پیمانی را که خدا با اجداد ما بست، می‌شکنیم؟ ^{۱۱} مردم یهودا خیانت کردند و در اورشلیم و شهرهای یهودا مرتکب اعمال زشتی شدند. مردم یهودا عبادتگاه محبوب خداوند را بی‌حرمت ساختند و با دختران بت پرست پیمان زناشوئی بستند. ^{۱۲} خداوند همه کسانی را که این کارها را کرده‌اند از بین قوم برگزیده خود، اسرائیل، براند و دیگر هرگز با مردمی که برای خداوند قادر مطلق قربانی می‌آورند، یکجا نشوند.

^{۱۳} کار دیگری که می‌کنید اینست: شما قربانگاه خداوند را از اشکهای تان پُر می‌سازید و ناله و زاری می‌کنید، زیرا او دیگر قربانی‌هایی را که شما می‌آورید، نمی‌پذیرد. ^{۱۴} می‌پرسید: «چرا او قربانی‌های ما را قبول نمی‌کند؟» بخاطری که شما به همسر تان که در جوانی با او پیوند وفاداری بسته بودید، خیانت کردید و خدا شاهد کردار تان بود. ^{۱۵} آیا آن زن را هم خدا نیافریده است؟ آیا روح و بدن انسان به خدا تعلق ندارند؟ خدا از شما چه می‌خواهد؟ او می‌خواهد که فرزندان راستکار و خداشناس داشته باشید. پس حالا مواظب باشید که به همسر تان خیانت نکنید.

^{۱۶} خداوند، خدای اسرائیل می‌فرماید: «من از طلاق متنفرم و از آن کسی که در حق زن خود ظلم می‌کند نفرت دارم، پس مواظب باشید که به زن تان خیانت نکنید.»

روز داوری نزدیک است

^{۱۷} شما با سخنان تان خداوند را خسته ساخته‌اید و بازهم می‌گوئید: «چگونه او را خسته ساخته ایم؟» با این سخنان تان او را خسته می‌سازید که می‌گوئید: «خداوند قادر مطلق از کسانی که کارهای بد می‌کنند راضی است و آن‌ها را دوست دارد.» یا می‌گوئید: «کارهای خدا عادلانه نیستند.»

^۳ خداوند قادر مطلق می‌فرماید: «من قاصد خود را می‌فرستم تا راه را برای من آماده سازد. بعد خداوندی که منتظرش هستید ناگهان به عبادتگاه خود می‌آید. آن قاصدی که مشتاق دیدارش هستید، می‌آید و پیمان مرا به شما اعلام می‌کند.»

^۲ اما چه کسی می‌تواند طاقت آن روز را داشته باشد؟ وقتی او می‌آید، کیست که بتواند با او روبرو شود؟ او مانند آتشی است که فلز را تصفیه می‌کند و مثل صابون است که همه چیز را پاک می‌سازد. ^۳ او مثل کسی که نقره را صاف می‌کند، کاهنان را مانند طلا و نقره پاک می‌سازد تا آن‌ها با دل صاف هدایای خود را به خداوند تقدیم کنند. ^۴ آنوقت هدایای مردم یهودا و اورشلیم مثل سالهای گذشته مورد پسند خداوند واقع می‌شوند.

^۵ خداوند قادر مطلق می‌فرماید: «آنگاه من برای داوری پیش شما می‌آیم. برضد جادوگران، زناکاران، کسانی که قسم ناحق می‌خورند، آنهایی که در مُزد کارگران تقلب می‌کنند، اشخاصی که در حق بیوه زنان و یتیمان و بیگانگان ظلم روا می‌دارند و از من نمی‌ترسند، شهادت می‌دهم.»

پرداختن عَشْرِيه

^۶ خداوند قادر مطلق می‌فرماید: «من خداوندِ تغییرناپذیر هستم. به همین دلیل است که شما، ای اولادهٔ یعقوب، از بین نرفته‌اید. ^۷ شما هم مثل پدران تان از احکام من

سرپیچی کرده و آن‌ها را بجا نیاورده‌اید، ولی حالا وقت آنست که بسوی من برگردید تا شما را ببخشم. شما می‌پرسید: چگونه بسوی تو برگردیم؟^۸ آیا کسی خدا را فریب می‌دهد؟ نی، اما شما مرا فریب داده‌اید. می‌گوئید: ما چگونه ترا فریب داده‌ایم؟ در ده یک دارائی و هدایائی که برای من می‌آوردید تقلب می‌کنید.^۹ شما همگی ملعون هستید، زیرا مرا فریب می‌دهید.^{۱۰} ده فیصد دارائی تان را بطور کامل به عبادتگاه من بیاورید تا خوراک کافی موجود باشد. به این ترتیب مرا امتحان کنید و ببینید که چطور روزنه‌های آسمان را می‌گشایم و شما را از نعمت‌ها و برکات فراوان خود برخوردار می‌سازم.^{۱۱} حشرات و آفات را از کشور تان محو می‌کنم تا محصول زمین شما ضایع نشود و تاکستان‌های تان بی‌حاصل نگردند.^{۱۲} اقوام دیگر شما را خوشحال و کامران می‌خوانند و کشور تان یک سرزمین با ثمر می‌شود.»

وعدۀ رحمت خداوند

^{۱۳} خداوند می‌فرماید: «شما برضد من سخنان زشت گفته‌اید.» ولی شما می‌پرسید: «ما برضد تو چه گفته‌ایم؟»^{۱۴} شما گفته‌اید: «عبادت خدا بی‌فایده است. چرا ما همیشه از احکام او پیروی کنیم و یا با غم و اندوه برای بخشش بحضور خداوند قادر مطلق برویم؟»^{۱۵} ببینید که مردم خودخواه و متکبر چطور خوشبخت زندگی می‌کنند، اشخاص بدکار کامیاب و سعادتمند می‌شوند و از مجازات نجات می‌یابند.»

^{۱۶} آنگاه کسانی که به خداوند احترام داشتند با یکدیگر به گفتگو پرداختند. خداوند به سخنان آن‌ها گوش داد و همه را شنید. بعد در کتاب یادگاری که در حضور خداوند بود، نامهای همه کسانی که بنام خداوند احترام داشتند، نوشته شدند.^{۱۷} خداوند قادر مطلق می‌فرماید: «در آن روز معین، اینها قوم خاص من می‌باشند و مثل والدینی که به فرزند فرمانبردار خود رحم و شفقت نشان می‌دهند، من هم بر آن‌ها رحم می‌کنم.»^{۱۸} آنگاه قوم برگزیده من می‌توانند مردم خوب و بد، اشخاص خداشناس و آنهایی را که بندگی مرا نمی‌کنند، از هم تشخیص بدهند.»

روز داوری خداوند فرامی‌رسد

۴^۱ خداوند قادر مطلق می‌فرماید: «روز داوری من مانند تنور شعله‌ور فرامی‌رسد و همه اشخاص متکبر و شریر را مثل گاه می‌سوزاند و آن‌ها طوری می‌سوزند که هیچ چیزی از آن‌ها باقی نمی‌ماند. ^۲ اما برای شما که از نام من می‌ترسید، آفتاب عدالت با پرتو شفابخش خود طلوع می‌کند. شما مثل گوساله‌ها از خوشی جست و خیز می‌زنید. ^۳ در آن روز معین، مردم بدکار را مانند خاکستر در زیر کف پاهای تان لگدمال می‌کنید.

۴^۴ تعلیمات، فرایض و احکامی را که بر کوه سینا توسط بنده‌ام، موسی به همه قوم اسرائیل دادم، فراموش نکنید.

۵^۵ پیش از فرارسیدن آن روز عظیم و هولناک که روز داوری خداوند است، من ایلیای نبی را پیش شما می‌فرستم. ^۶ او دل‌های پدران را بسوی پسران و دل‌های پسران را بسوی پدران مایل می‌سازد تا مبادا من سرزمین شما را با نفرین خود ویران کنم.»